



یادداشت

عبدالرضا هالالی-مداح

ملتی که همسایه دیوار به‌دیوار شهادت است

جنگ رمضان با خبری کوتاه شروع شد، امام انقلاب شهید شد، بند دلم پاره شد، اما باید به فردا گره می‌خوردم و محکم‌تر می‌ایستادم.

کوه‌ها با چشمه‌هایشان گریه می‌کنند که این چشمه‌ها زندگی‌بخش‌اند و حیاتی دوباره به طبیعت می‌دهند. اشک چشم مؤمن هم این‌گونه است، اشک مؤمن زنده‌کننده قلب‌هاست، احیاکننده انسان‌هاست.

ملتی که همسایه دیوار به دیوار شهادت است، از مرگ نمی‌هراسد و همین سبب رعب و وحشت دنیاپرستان غرب شده است. این روزها جنگ و اخبار جنگ برای مردم ما عادی شده است و انگار ما ملتی هستیم که مبعوث شده‌ایم تا پرچم تشیع را بر قلّه‌های جهان به اهتزاز دربیاوریم. باید تا قبل از شنیدن خبر پیروزی روضه نخوانیم که ایستادن هزینه دارد، بیداری بها دارد و بهشت را به بها می‌دهند نه بهانه.

آن که در میدان اصلی شهرش ایستاده و آن که در میدان جنگ موشک می‌زند، هر دو در میدان انقلاب ایستاده‌اند. هر دو سرباز اسلام‌اند و هر دو محترم و بزرگ، پس با توسل به امام روفئمان آقای مهربان جهان، امام رضا(ع) گرد هم جمع می‌شویم و با وحدت کلمه و اتحاد، راه و راهبردمان را یکی می‌کنیم تا به مقصد و مقصود اصلیمان برسیم. باورم این است که ارتباط نزدیکی بین قلب انسان و قلم او وجود دارد. ارتباطی از جنس عاطفه و انسانیت. دوستان هم قلب باید هم‌قلم شوند تا از این پیچ مهم تاریخی بگذریم. دشمن نباید ضعف و اشک ما را ببیند، تنها چیزی که باید ببیند خشم مقدس و مقاومت و ایستادگی باشکوه ماست.

روحیه حماسی ایرانیان به باورهای شیعی گره خورده است، همین است که دشمن را مأیوس می‌کند. فردا اشک‌های ما سیلی می‌شوند و غم‌های ما را با خود خواهند برد و مشت‌های گره خورده در میدان‌های شهر کوه خواهند شد و دردها را به حماسه تبدیل خواهند کرد.

زنده باد ایران و ایرانی، زنده باد شیعه خراسانی.

خبر

یادبودی برای شهدای دانش آموز میناب

«چشمان میناب» در میدان تجریش



چیدمان هنری «چشمان میناب» با هدف ادای احترام به شهدای دانش آموز مدرسه «شجره طیبه» میناب استان هرمزگان در میدان تجریش تهران اجرا شد. میدان تجریش تهران شاهد رونمایی از اینستالیشن و چیدمان هنری «چشمان میناب» است. این اثر با هدف ادای احترام به شهدای دانش آموز مدرسه «شجره طیبه» میناب استان هرمزگان اجرایی شده و در تلاش است یاد و خاطره این شهدا را در فضایی شهری زنده نگه دارد.

این پروژه هنری به سفارش سازمان زیباسازی شهرداری تهران و همت مؤسسه هنری ـ رسانه‌ای سوره امید و با هنرمندی رضا گلپایگانی اجرا شده است و تلاش دارد مظلومیت و بی‌گناهی کودکان شهید را از طریق هنر روایت کند.

چیدمان «چشمان میناب» با نمایش تصاویری بزرگ از چشم‌های کودکان، به‌گونه‌ای طراحی شده که بازدیدکنندگان را به مکث و تفکر وامی‌دارد. هدف اصلی این اثر، برانگیختن حس همدلی و یادآوری معصومیت کودکانی است که قربانی حوادث تلخ شده‌اند.

به گفته رضا گلپایگانی، هنرمند مسئول این پروژه، تمرکز بر چشم به عنوان پنجره روح، راهی برای بیان احساسات عمیق انسانی، به ویژه اندوه و بی‌دفاعی بوده است.

این اینستالیشن محیطی، فراتر از یک اثر هنری صرف، به مثابه یک یادبود بصری عمل می‌کند و به دنبال ترویج فرهنگی است که در آن هیچ‌گاه این جنایت آمریکی و اسرائیل کودک‌کش فراموش نشود. «چشمان میناب» در میدان تجریش قابل بازدید است و انتظار می‌رود بازخوردهای متنوعی از سوی شهروندان دریافت کند.

علاوه بر این، آل‌بوم «فرشته‌های میناب» هم که شامل آثار ساخته شده در این ۴۰روز توسط هنرمندان موسیقی کشور است نیز در تجمعات شبانه در اختیار مردم تهران قرار می‌گیرد.

انجمن موسیقی ایران آثار را در قالب یک آل‌بوم منتشر کرده است که از طریق کارت‌هایی حاوی یک QR کد، به دست مردم می‌رسد که پس از اسکن آن، لینک آثار باز می‌شود. زانکو، علی رها، هاتف، محمد فرشته‌نژاد، رضا رحیمیان و امیر حقیقت از جمله هنرمندانی هستند که آثارشان در این آل‌بوم منتشر شده است.

گفت‌وگو با رضا مهدوی، پژوهشگر موسیقی درباره تأثیر آثار تولیدشده در این روزها بر همبستگی و تاب‌آوری جمعی

ایران؛ نقطه تلاقی مداحی و موسیقی



نیایش احمدی در میان روزهای سخت جنگ رمضان، هنگامی که قلب‌ها با ترس و امید می‌تپید، موسیقی و شعر نقشی بی‌بدیل در روحیه‌بخشی به رزمندگان و مردم داشت. این جنگ که اسفند ۱۴۰۴ شروع شد، شب‌هایش طولانی‌تر و لحظاتش پرمعناتر بود، اشعار و آهنگ‌های مذهبی و انقلابی به سلاحی فرهنگی تبدیل شدند که دل‌ها را به هم پیوند می‌داد و روح مقاومت را زنده نگه می‌داشت. در این گفت‌وگو، با رضا مهدوی، کارشناس و پژوهشگر موسیقی همراه شده‌ایم تا به بررسی وضعیت قطعات موسیقی و مداحی‌ها در روزهای جنگ بپردازیم؛ از روایت‌های حماسی و آواهای مقاومت گرفته تا آهنگ‌های پاپ و حضور خوانندگان جوان که صدایشان در این شب‌ها طنین‌انداز بود.

■ چرا هنوز برخی هنرمندان موسیقی به میدان نیامده‌اند در حالی که عده‌ای احساس تکلیف کردند، یا به‌پای مردم در تجمعات حاضر شدند و کنشگری داشتند؟

بی‌شک در چنین شرایطی، بصیرت، آگاهی و شناخت دقیق نیاز است. برخی از این دوستان، متأسفانه عافیت‌طلبی می‌کنند؛ نشسته‌اند تا این‌الان در کف میدان کف طرف رقم می‌خورند. این یک اشکال اساسی است و به هیچ‌وجه نباید این‌گونه باشد. ما با چشم خود می‌بینیم و کاملاً ثابت شده است که جمعیت عظیمی از مردم، خواهان پیروزی قاطع ایران هستند و نمی‌پذیرند که پیش از احقاق حق، آتش‌بسی شکل بگیرد. مردم می‌خواهند دنیا به خوبی بشناسد که آمریکا کیست و چه ظلم‌های بزرگی در طول تاریخ مرتکب شده است؛ چراکه امروز، تمام چشم‌های دنیا به ایران دوخته شده است. مردم از هنرمندان چهره، مطالبه‌گری دارند، اما عده‌ای از آن‌ها هیچ کاری نکردند، متأسفانه باید بگوییم این سکوت و بی‌عملی در تاریخ ثبت می‌شود. واقعاً نمی‌دانم این افراد در آینده چگونه می‌توانند دوباره در میان مردم ظاهر شوند؛ چراکه اکنون بهترین وقت بود تا ارادت عملی خود را به ملت نشان دهند و ثابت کنند این عرض ارادت، تنها در حد حرف و زبان نیست، بلکه در عرصه‌های سخت و بحرانی که مردم به حضور آن‌ها احتیاج دارند نیز در میدان ایستاده‌اند.

امروز، مردم واقعی در کف خیابان‌ها هستند؛ از دکتر و مهندس گرفته تا افراد تحصیلکرده و غیرتحصیلکرده. تمام توده‌های اقشار مختلف مردم با دغدغه‌مندی تمام حضور دارند. حتی خانواده‌های معززی که یکی از اعضای خانواده‌شان به شهادت رسیده است نیز در این میدان حاضرند. زمانی که رژیم صهیونیستی آشکارا دست به نسل‌کشی و کودک‌کشی می‌زند، هنرمندان باید این حقایق تلخ را درک کنند؛ نه اینکه چشمشان صرفاً به رسانه‌های معاند دوخته باشد و تنها روایت‌های مسموم آن‌ها را ببینند.

■ عملکرد و همکاری دستگاه‌ها با یکدیگر در روند صدور مجوز، ساخت و پخش موسیقی در این دوران را چطور ارزیابی می‌کنید؟

خوشبختانه دستگاه‌ها خیلی سریع در حال ارزیابی آثار هستند؛ به طوری که این روند در کمتر از یک روز و حتی در عرض چند ساعت انجام می‌شود. برای مثال سازمان صداوسیما و وزارت ارشاد دقیقاً به همین منوال عمل می‌کنند. طبیعی است وقتی چهره‌های شناخته‌شده،

آنها را با عنوان «ایران» یا «حسبی‌الله» چقدر در تقویت وحدت ملی مؤثر بودند؟

محسن چاوشی بسیار فراتر و مؤثرتر از بقیه عمل کرده است. حتی در آن زمان که عده‌ای به غلط او را خواننده‌ای «زیرزمینی» می‌خواندند، آهنگ‌هایی برای فلسطین، امام

رضاع) و ماه محرم ساخته بود. او به معنای حقیقی کلمه، یک هنرمند خاص است که بصیرت و آگاهی بالایی دارد و برای خلق اثر، منتظر سفارش نمی‌ماند؛ هر چند که ساخت آثار سفارشی نیز در تمام دنیا مرسوم است و در جای خود می‌تواند ارزشمند باشد.

این دست از هنرمندان، با توجه به شناختی که از تاریخ دارند، به خوبی می‌دانند با نفوذ کلام و جایگاه ویژه‌شان در جامعه به‌عنوان یک امید ملی تلقی می‌شوند. ازاین‌رو، بدون اینکه مردم از آن‌ها درخواستی داشته باشند، خودشان پیشقدم شده و این فضای همدلی را برای مردم فراهم می‌کنند. آن‌ها اثری می‌سازند که جاودانه می‌شود، در ذهن، روح و جان مخاطب جای می‌گیرد و به این ترتیب، رسالت واقعی یک هنرمند را ایفا کرده و سبب ایجاد شور و نشاط حقیقی در جامعه می‌شوند.

هنرمندان باید دقیقاً در همین شرایط و روزهای سخت در کنار مردم باشند، نه فقط زمانی که می‌خواهند مردم بلیت‌های میلیونی کنسرتشان را بخرند. اکنون زمانه

اهالی فرهنگ و هنر در اربعین رهبر شهید گرد هم آمدند

هنرمندان در سوگ «امین ایران»

در ابتدای مراسم سرود ملی کشورمان توسط ارکستر ملی به رهبری همایون رحیمیان اجراشد. در این مراسم هنرمندان و شاعرانی همچون افشین علا، ناصر فیض، داوود فتحعلی‌بیگی، به‌بیان خاطراتی از رهبر شهیدپرداختند.

■ آخرین خاطره افشین علا از رهبر شهید

افشین علا،شاعر،باذکر خاطره‌ای از رهبر شهیدانقلاب، ابیاتی را به ایشان تقدیم کردوگفت: آخرین خاطره‌ای که از محضر رهبر شهیدانقلاب دارم مربوط به‌سال گذشته است. در نماز روز یکشنبه مشرف شده بودم. پس از نماز ایشان زمان خداحافظی، این کمترین را مورد تقدف قرار داندن و خواستند اگر نکته‌ای دارم بگویم. مدت‌ها بود که فکر می‌کردم آقای ما به‌سن که‌نسالی رسیدند و هم‌سن امام‌راحل هستند. گفتم رضای نیستم سراپا یابستید. ایشان باهمان تواضع و محبت درباره نکته‌ای فرهنگی، ۱۰ دقیقه‌سخن گفتند.

وی افزود: امیدوارم این فیلم‌ها در حمله این قوم مغول از بین نرفته باشد تا همه ببینند که شخص اول این آب و خاک، با همه دردها و مسئولیت سنگینی که در جهان اسلام داشتند این‌گونه به جزئیات امور ورود می‌کردند

رویارویی با سختی‌هاست و حضور هنرمندان متعهد در چنین بزنگاه‌هایی موجب می‌شود وحدت ملی، انسجام و یکپارچگی، در قالب و بیانی هنری بیش از پیش محقق شود.

■ آیا می‌توان گفت مداحی و موسیقی در شرایط بحرانی می‌تواند کارکردهای اجتماعی و سیاسی پیدا کند و منجر به ایجاد انسجام و همبستگی جامعه شود؟

هر پدیده‌ای جایگاه خود را دارد. دهه ۶۰ را نباید از یاد برد؛ سرودهای بسیار زیبایی در آن دوران ساخته شد. موسیقی‌های انقلابی دوران هشت سال دفاع مقدس و پیروزی انقلاب اسلامی، همچنان ضروری‌اند. با گذشت زمان، شعارها و انواع موسیقی، سرود و مداحی‌ها همواره مورد نیاز جامعه باقی می‌مانند، برای نمونه، سرود «تنگ بر آمریکا» همچنان باید پخش شود؛ هر چند که موسیقی‌های جدیدی نیز تولید می‌شود اما این موضوع دلیلی بر فراموشی آثار قدیمی نیست.

برای نسل جدید نیز باید موسیقی ساخته شود و در این مسیر به تعادل رسید؛ متأسفانه این توازن هنوز به‌طور کامل رعایت نشده است. این نگرش غلط که پخش آثار دهه ۶۰ به معنای عدم فعالیت نسل جدید است، باید اصلاح شود. در عوض، باید برنامه‌ای زمان‌بندی شده داشته باشیم تا هر اثر در جایگاه مناسب خود پخش شود. تمام این آثار، شنوندگان خاص و مخاطبان ویژه خود را دارند و ما باید همه اقشار مردم را در نظر بگیریم؛ چه در روستا و چه در شهر و حتی کسانی که با جان و دل به ایران تعلق دارند. آن‌ها نیز باید بتوانند این آثار را از طریق رسانه‌هایی مانند «ایران صدا» و همچنین سامانه‌های مدرن امروزی دریافت کنند.

■ آثاری که در دهه ۶۰ ساخته شدند با آثار امروزی از لحاظ در نظر گرفتن شرایط جنگی قابل قیاس‌اند؟

قدیمی یا جدید بودن، ملاک مقایسه نیست و نمی‌توان این دورا به‌طور مستقیم با هم سنجید. برای نمونه، سرود «الله‌الله» که توسط مرحوم رویگری اجرا شده بود، برای نسل امروز بازخوانی شد.

همچنین، آقای محمود کریمی نسخه جدیدی از سرود «ای ایران» را ارائه کرده‌اند؛ این امر نشان‌دهنده بهره‌گیری از فناوری روز و هوش مصنوعی در خدمت هنرمندان است. در صورت، باید میان این موسیقی‌های قدیمی و جدید عدالت برقرار باشد و از هر دو به‌طور مساوی پخش شود. چه رسانه ملی و چه سایر فضاها، باید شرایط را مهیا کنند تا موسیقی‌ها بهتر به گوش مخاطبان برسد.

با این حال، نباید فراموش کرد بلندگوها باید در خیابان‌ها، فروشگاه‌های بزرگ و مکان‌های عمومی نصب شوند تا ما بتوانیم این موسیقی‌ها را در کنار میادین، در شب‌هایی که هنرمندان در میان مردم حضور دارند، بشنویم و پخش کنیم.

■ می‌توان گفت آثار موسیقی و مداحی در شرایط فعلی با هم ارتباط مضمونی پیدا کرده‌اند؟

در گذشته، مداحی و روضه‌خوانی شاخه‌هایی از موسیقی محسوب می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که برخی استادان کلاس‌های خود را در ایام محرم تعطیل می‌کردند و به شاگردان می‌گفتند: «به پای منبرها بروید و ببینید علما، مداحان و ذاکرین چه می‌گویند و چه می‌خوانند». این دو حوزه همواره ارتباطی متقابل و عمیق با یکدیگر داشتند. در دوران صفویه، زمانی که موسیقی با محدودیت‌هایی روبه‌رو شد، مردم به تعزیه‌خوانی روی آوردند. تعزیه، اساس و بخش مهمی از دستگاه‌های موسیقی، شعر و ادبیات کشور را تشکیل می‌داد.

در آن زمان، افرادی که قاری قرآن بودند، شعر نیز می‌آموختند؛ چرا که آن‌گونه که امروز فراگیر است، آموزش‌ها محدودتر بود. با این حال، بر اساس اقتضای زمانه، قطعاً باید این شعرها و سرودها را به‌روز کرد. همان‌طور که برای نسل جدید باید گفت‌وگوهای نوینی شکل گرفت، نباید از میراث قدیمی نیز غافل شد. تمام این موارد باید در قالب یک «بسته فرهنگی» جامع به مردم ارائه شود. اکنون زمان آن فرا رسیده که مدیران و مسئولان فرهنگی، از سطوح بالا تا پایین، به این مردم باشرف که در کف خیابان‌ها و میدان‌ها حضور دارند، خدمت‌رسانی کنند. این مردم همانند رزمندگانی هستند که پای لایچر ایستاده‌اند و شایسته‌ترین کار خدمت‌رسانی به آن‌هاست. هر مسئولی باید با توجه به جایگاه خود، در خدمت‌رسانی به مردم بکوشد.



تا باری از دوش ناپیزی چون من برداشته شود.او با بیان اینکه رهبر شهید به ما یاد دادند در برابر همگان باید بردبار بود و هر کسی حق دارد هر سلیقه‌ای داشته باشد، یادآور شد: کسانی که در مقابل ایشان ایستادند یا عقیده دیگری داشتند ولی خودشان را به مواهبی آلوده نکردند برای من قابل احترام هستند، کما اینکه برای ایشان هم قابل احترام بودند. درد من کسانی هستند که در همین نظام به آلف و الوفی رسیدند و برخی از آن‌ها هنوز هم در برخی مصادر هستند، آن‌ها به ما فحاشی می‌کردند ولی الان عزادار امام‌شان شدند، عجیب است! جرم ما چه بود؟ اینکه شعرهایی می‌نوشتیم که به نظر رهبر شهید خوش می‌آمد یا بر آن تقریظ می‌نوشتند.